

سفر سلیمانی*

فرهنگ ایرانیان مهاجر در آسیای مرکزی در نیمهٔ دوم قرن ۱۹

در اواسط قرن ۱۸ میلادی آسیای مرکزی که در نتیجهٔ جنگهای داخلی پراکنده و از خرابیهای اقتصادی خیلی ضعیف گردیده بود، به هجوم نادر افشار، شاه ایران دچار گردید. نادرشاه در محاربه‌های قفقاز، افغانستان و هندوستان ظفر یافته، در سال ۱۷۴۰ میلادی از راه بلخ و چارجوی وارد ماوراءالنهر گردید. در آسیای مرکزی دولتی متمرکز وجود نداشت، در سر دولت خان بخارا ابوالفیض خان، نمایندهٔ سلالهٔ جانیان قرار داشت. «نادرشاه خیه را نیز ضبط کرد و به سر حاکمیت قائم مقام خود را نشانده. او هم در بخارا و هم در خیه ذخیره‌های آذوقه، پول و دیگر چیزهای پرقیمت را مصادره کرده، عسکران محلی را به قشون خود همراه نمود» (۱: ۸۸).

بعد از این واقعهٔ تاریخی اصطلاح «ایرانیان مهاجر» به وجود آمده است که آن در نتیجهٔ فعالیت معنوی ایرانیان مهاجر در آسیای مرکزی باقی مانده است. فرهنگ ایرانیان مهاجر یکی از قسمهای ترکیبی فرهنگ ملی این سرزمین می‌باشد و این وادار می‌نماید که از دیدگاه فرهنگ‌شناسی مورد تحقیق و بررسی علمی قرار گیرد. فرهنگ‌شناسی به عنوان علم تازه‌ظهور «قانونیتهای آموزش و عمل

* پژوهشگر ارشد پژوهشگاه علوم تربیتی تاجیکستان،
دکتر علوم تربیتی.

فرهنگ، ساختار، پویایی، همگرایی و ارتباط با زندگی مادی و معنوی را می‌آموزد» (۷:۱۲۲).

در قرن نوزدهم و کمی قبل از آن، بین ایران و همسایگان آن (امارت بخارا و خیوه) روابط تجاری و اقتصادی و فرهنگی وجود داشت (۴). در نتیجه پاره‌ای جنگها و وجود این روابط، برخی از ایرانیها (فارسها، گردها، آذربها و ترکها) به تمایل خویش و به سببهای گوناگون به آسیای مرکزی عزیمت نمودند. در نتیجه، در نیمه دوم قرن نوزدهم در آسیای مرکزی در شهرهای بخارا و خیوه طبقه ایرانیان مهاجر شکل گرفت. در بین آنان ایرانی تباران مقیم آسیای مرکزی و باقیماندگان سربازان نادرشاه و افسران لشکر قاجاریان و مهاجران شمال شرقی ایران بودند که به بخارا هجرت کرده بودند. بیشتر آنان به کار تجارت و صنعت اشتغال داشتند. در دوران اول هجرت، ایرانیان مهاجر مثل غلام خرید و فروش می‌شدند. اما از همین راه آنها به مشاغل بسیار مهم راه پیدا کردند. مثلاً، یکی از وزرای (قوش‌بیگی) امارت بخارا از ایرانیان مهاجر بوده است. بنا بر این تا تصرف بخارا از جانب روسیه در ساختار حکومت نظامی امارت بخارا ایرانیان وجود داشتند. اما در قسمت دیگر خانیهای خیوه و خوقند ایرانیان استثمار می‌شدند. بعد از تصرف آسیای مرکزی، حکومت نظامی روسها غلامان را آزاد نمود و خرید و فروش آنها را ممنوع کرد. در شهرهایی چون بخارا، سمرقند و مناطق نزدیک آن محله‌های ایرانی‌نشین وجود داشت. ابتدای این کار در قرن شانزده بود که ایرانیان از مرو مهاجرت کرده بودند. همین طور در بخارا و سمرقند قبایل ایرانی وجود داشت. اما طی سالهای متمادی در نتیجه آمیزش آنها با مردمان بومی، بعضی

از آنها خصوصیات آنتروپولوژی خویش را از دست دادند و فقط زبان آبا و اجدادی آنان باقی ماند. بیشتر آنها به همان مذهب تشیع پایبند ماندند. شماره آنها در آخر قرن نوزده شش هزار بود. ایرانیان سمرقند و بخارا نیز کاملاً به مذهب تشیع پایبند ماندند.

آنان، بویژه زنان خصوصیات آنتروپولوژی خود را حفظ کردند. شماره ایرانیان سمرقند از ده هزار تجاوز می‌کرد. آنها بیشتر به بافندگی، ریسندگی و کشاورزی مشغول بودند.

گروه سوم مهاجران ایرانی که در قلمرو خانی خیوه اقامت داشتند، تا اوایل قرن بیستم «قل» (غلام) نامیده می‌شدند. در اواخر قرن نوزده شماره آنها سه هزار و پانصد نفر بود که حدوداً یک در صد ساکنان قلمرو خانی را تشکیل می‌دادند. در کناره‌های دریای خزر نیز شماره زیاد ایرانیان ساکن بودند. در سال ۱۸۸۳ در ولایت زکسپی ۱۴۳۶ نفر ایرانی به سر می‌بردند. در شهر عشق‌آباد از دوازده هزار نفر اهالی شهر، پنج هزار و ششصد نفر ایرانی بودند. شماره زیادی از آنها شغل‌های دولتی داشتند. بعضی از تاجران سرمایه‌دار ایرانی در مجلس شورای شهرداری عشق‌آباد انتخاب شده بودند. آنها را به تنها زبان و ایرانی تبار بودن به هم پیوند می‌داد، بلکه مذهب تشیع عامل یگانگی و وحدت آنان بود.

در مورد تحقیق موضوع فوق باید از دیدگاه فرهنگ‌شناسی مسئله جامعه‌پذیری مطرح گردد. جامعه‌پذیری جریانی است که از طریق آن فرد با راه و اصولهای جامعه آشنا می‌شود و آنها را می‌آموزد و به مرحله اجرا درمی‌آورد، تا بتواند متناسب با اصولهای گروه و جامعه نوینی که او بدان وارد می‌شود، زندگی کند. جامعه‌پذیری برای

گروهی از افراد که به جامعه دیگر مهاجرت می‌کنند یا به طور موقتی در جامعه‌ها بیگانه‌اند، اهمیت پیدا می‌کنند. گاه فرد در جریان معیارپذیری با معیارهای ضد در جامعه رو به رو می‌شود، در نتیجه نمی‌داند کدام معیار را بپذیرد. این پدیده در مهاجران ایرانی کمتر به وقوع پیوسته است، چون که سرزمین آسیای مرکزی خود بنیاد تمدن ایرانی داشت که عوامل فرهنگی این تمدن برای ایرانیان مهاجر مشکلی به بار نیاورده، کما این که یکی دیگر از عواملی که بعداً ایرانیان به این سرزمین عزیمت کرده‌اند، محض همین کشش فرهنگی بوده است. به همین دلیل در بسیاری مورد میان ایرانیان مهاجر سازگاریهای روانی، اجتماعی و اخلاقی با مردمان این سرزمین مشاهده گردیده و زندگی اجتماعی آنها را سنگین ننموده است. از طرف دیگر، این افراد که دارای شخصیت والا بودند و در جامعه خود دارای فرهنگ و معیارهای استواری بوده‌اند، به طور عادی معیارهای به هم نزدیک جامعه میزبان را به خود پذیرفته‌اند. لازم به یادآوری است که ایرانیان مهاجر که جامعه را پذیرفته‌اند، اکنون به مرحله دوم آن فرهنگ‌پذیری گامهای استوار گذاشته‌اند. فرهنگ‌پذیری جریانی است که فرد زمینه‌های فرهنگی را می‌شناسد و به طور عمیق می‌پذیرد و خود را با آن ساختار موافق می‌سازد. قبلاً اشاره داشتیم که شخصیت فرد در جامعه‌پذیری مهم می‌باشد. اگر شخصیت فرد قوی باشد و خصوصیت‌های فرهنگی جامعه را در خود جمع دارد، سیمای او بر اساس همین عاملها استوار است که این را ما در سیمای ایرانیان مهاجر مشاهده می‌نماییم. در هر کجا که ایرانیان به سر برند، هیچ گاه آنها هویت ملی خویش اصالت فرهنگی خویش را از دست

نداده‌اند. این پدیده را ما در مثال دیگر مهاجران ایرانی امروز هم می‌توانیم مشاهده نماییم که با وجود مشترکات فرهنگی، هنوز دلبستگی نسبت به فرهنگ جامعه خود از دست نداده‌اند، بلکه بسیار خصوصیت‌های فرهنگ جامعه خود، مانند غذا، پوشاک و موسیقی را به جامعه میزبان داده‌اند و چنین پدیده را در علوم فرهنگ‌شناسی معاصر «خرده‌فرهنگ» می‌گویند که با آن ایرانیان توانستند در آسیای مرکزی چنین پدیده‌ای را به عمل آورند. این فرهنگ را که در عین حال با فرهنگ کل جامعه هماهنگی دارد و از آن پیروی می‌کند، خرده‌فرهنگ یا پاره‌فرهنگ می‌نامند. در علوم فرهنگ‌شناسی این پدیده متقابل جامعه فرهنگی را فرهنگ‌پذیری دوجانبه گویند. لازم به یادآوری است که موضوع دیگر پذیرش فرهنگ از تشویق برخورد دو نظام میان قوم‌های مختلف است. در این زمینه مطلب قابل توجه اهمیت و غنای فرهنگ ایرانی است. زیرا بسیاری از قوم‌های مهاجر به سبب محدودیت و ضعف فرهنگ خود، حتی بعد از پیروزی بر جامعه، فرهنگ جامعه مغلوب را پذیرفته‌اند. نمونه این جریان هجوم مغولها به سرزمین ایران تاریخی است که مغولها فرهنگ اسلامی و ایرانی را به تدریج پذیرفتند. جانشینان مغول به تدریج از آداب و رسوم مغولی دست کشیده، یکسره اسلام را قبول کردند و فرهنگ مردمان مغلوب را پذیرفتند که این خود بحثی طولانی طلب دارد.

مهاجران ایرانی آسیای مرکزی آن زمان در این سرزمین بعضی خصوصیت‌های فرهنگ جامعه میزبان، مثل زبان، شیوه‌های افکار و عقیده و جنبه‌های رفتاری را (در بیشتر محلها) پذیرفتند. مثلاً، در دیبهه پاریسیان ناحیه قوش‌کوپروک ولایت خوارزم که ایرانیان

اسیرافتاده به دست ترکمنها بودند و اهل تشیع هم بودند، با ازبکها آمیخته شدند. از جمله چنین فرهنگ‌پذیری و آمیزش در قشلاق ولایت جزخ نیز مشاهده می‌گردد. ایرانی‌هایی که آذری‌بار بودند، نیز به آمیزش فرهنگی روی آوردند. چنین فرهنگ‌پذیری در ایرانی‌های سمرقند بیشتر مشاهده می‌گردد. چنین جریان بعدها هم در زمان شوروی مشاهده می‌گردد که بیشتر شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی این سرزمین از بازماندگان همان ایرانیان می‌باشند. به عنوان مثال، در دیبهه زیرآباد بخارا مردمان مرو با تاجیکان آمیزش یافتند که «موریگی‌خوانی» از همان زمان به امروز مشهور گردیده است. «موریگی‌خوان (از «موری» شکل تغییریافته «مروی») دسته سرایندگان، نوازندگان و رقاصان خلقی که از یک گروه ۲-۵ نفره عبارت است. آنها مثل مقام‌خوانها، سازندگان و دسته‌های هنری صنعتکاران تاجیک‌زبان بخارا داخل می‌شدند. اصطلاح و اسلوب «موریگی‌خوانی‌های بخارا» نیز از همین جاست. موریگی‌خوانی اساساً در بین ایرانی‌ها (یک گروه اتنیکی که در بخارا به سر می‌بردند) معمول بود. موریگی‌خوان عادتاً دایره‌دستی ماهر بود که اصول اساسی را می‌نواخت و نقاره‌دست و دایره‌دست‌های دیگر را که اصول مذکور را تقویت می‌دادند، پست‌نواز می‌نامیدند. دایره‌دستان در عین زمان سرود هم می‌خواندند که از بین آنها نفری یکه‌خوان بوده، دیگران در نقارات هم‌آوازی می‌کردند. رپرتوره (برنامه) موریگی‌خوانی از سلسله آوازی و رقصی عبارت بود که «موریگی» نام داشت. صنعت موریگی‌خوانی عادتاً به مراسم‌های عایلوی (ختنه، طوی عروسی، روز تولد و غیره) رابطه داشته، اجراکنندگان آن بیشتر در دوره مردان

شرکت می‌ورزیدند. موریگی‌خوانان مشهور عصر ۱۹ و ۲۰ بقاجان سعدالله‌یف، حبیب نعمت‌اف، علیرضا قربان‌اف و دیگرانند» (۱۳۲:۷).
فرهنگ معاشرت ایرانی نیز به اجتماع این سرزمین تأثیر گذاشته بود. مناسبت انسان‌گرایانه ایرانیها با یکدیگر، معیار فرهنگ معاشرت، باادبی، رعایت شرط و آداب معاشرت و ظاهر آراسته، مناسبت مهربانانه با همدیگر، شیوه‌های سلام و تشکر ایرانی، بخشش، قاعده‌های اخلاق در مکان اجتماعی، معاشرت زن و مرد، صداقت در کار و زندگی و احترام آنها عطر و بوی فرهنگ ایرانی بوده و توانسته است درک احساس و ایجاد طبع خوش در محیط آن زمان ایجاد نمایند.

در سال ۱۸۹۰ در عشق‌آباد ایرانیان حسینیه ساختند و در آنجا مراسم دینی خود را برگزار می‌کردند. محله‌هایی که ایرانیان در آنها زندگی می‌کردند (ایران‌محله) می‌نامیدند که هر سال در این محله مراسم عزاداری در ایام محرم برگزار می‌گردید. این مراسم در تمام ناحیه‌های ترکستان و خجند و ولایت سمرقند برگزار می‌گردید. اما در سال ۱۹۰۱ در بخشی از محله‌های روس‌نشین شهر تاشکند که چنین مراسم برگزار می‌شد، برای جلوگیری از این مراسم حاکم نظامی ترکستان آن را ممنوع اعلام کرد و در روزنامه «روسکی ترکیستن» این خبر درج شده بود، اما ایرانیان دلیر در تمام شهرهای بزرگ ترکستان توانستند حسینیه‌هایی برقرار کنند که مردم بومی آنها را «مسجد شیعه‌ها» می‌نامیدند. بیشتر این حسینیه‌ها را سرمایه‌داران و تاجران ایرانی بنیاد می‌کردند. در سال ۱۹۰۵ یکی از ایرانیان از حکومت شهر تاشکند درخواست کرد که زمینی را برای ساختن

حسینیه به او بفروشد.

به این ترتیب، فرهنگ عاشورا در آسیای میانه نفوذ پیدا کرد و در وحدت مسلمانان نقش مهمی ایفا کرد، با برگزاری مراسم عاشورا، مسلمانان غم و اندوه و درد خویش را علنی بیان می‌کردند. تنها این نوع مراسم توانست وحدت ملی ایرانیان را در آسیای مرکزی تحکیم بخشد.

منابع:

۱. غفوراف، باباجان. تاجیکان. تاریخ قدیمترین، قدیم، عصر میانه و دوره نو. -دوشنبه:عرفان،

۱۹۹۸-۲ ج.

۲. برتولد، و.و. مسائل عمومی تاریخ آسیای مرکزی // اثرها. -ج. ۲. ق. ۱.

۳. کتاب‌شناسی ایران: مأخذهای روسی سالهای (۱۹۱۷-۱۹۶۵). م.: علم، ۱۹۶۷-۳۹۱ ص.
۴. منّان‌اف، ب. س. مناسبت ایران با خانهای آسیای مرکزی در نیمهٔ دوم قرن ۱۹ // اخبار انستیتوت مردمان شرق آکادمی علوم شوروی، ۱۹۶۳. ش ۳۹. س. ۵۶-۷۱.
۵. سلیمانی، سفر. فرهنگ‌شناسی. -دوشنبه: عرفان، ۲۰۰۲-۲۲۲ ص.
۶. تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز / تورج. کیخسرو کشاورز. -تهران: مروارید، ۱۳۸۵-۶۵۴ ص.
۷. تاجیک‌اوه ز. موروثی خوان // انسیکلوپدیهٔ ادبیات و صنعت تاجیک. -دوشنبه: سریدکسیه (اداره) علمی انسیکلوپدیهٔ ساویتی تاجیک، ۱۹۸۹. ج. ۲. ص. ۱۲۲.
۸. فرهنگ‌شناسی: اصطلاحات. -م. ، ۲۰۰۷-۳۴۱ ص.